

ببین تفاوت ره از کجاست تا به کجا

گزارش های تازه در این هفته، حاکی از آن بود که حسنی مبارک رییس جمهور پُر قدرت دبیروز مصر با فرزند و تنی چند از همکاران نزدیکش به جرم اختلاس دارایی های عامه و اتهامات دیگر، به پای میز محاکمه کشانده شد. گزارش های تصویری، آقای مبارک را روی تذکره حمل کننده بیماران نشان میدادند و نیرو های محافظی بسیاری در اطراف عمارت محاکمه در قاهره حضور داشتند.

رویداد مربوط به محاکمه حسنی مبارک در مصر، مرا وا داشت تا نکاتی چند پیرامون آن رقم کنم. ولی قبل از همه باید این نکته را نیز متذکر شوم که مصر با افغانستان، از برخی جهات، وجوه مشترک یا وجه تشابه دارد. مثلاً، هر دو کشور دارای اصول و فرهنگ دیرینه اسلامی اند، هر دو، از جمله رعایت کننده سیاست عدم انسلاک هستند، هر دو، در قطار ممالک " جهان سوم " قرار دارند، در هر دو مملکت، رژیم های خودکامه و استبدادی، سالیان دراز حکم رانده اند، هر دو، از تلخی اندیشه های عقب گرایانه اخوانیت متأثر اند و بالاخره، دو کشور مورد نظر، موقعیت حساس ژئوپولیتیکی و سوق الجیشی دارند و علاوه بر فقر و کم سواد بودن هر دو سر زمین بیداد میکند.

مبارک که حدود بیست و پنج سال قبل و پس از ترور انورالسادات توسط گروهی از اخوانی های مصر، به کرسی ریاست جمهوری تکیه زد، در عین حالیکه با رژیم اسرائیل و ایالات متحده آمریکا روابط خیلی نزدیک مالی - سیاسی برقرار کرد، جلو هر نوع حرکت و جنبش سیاسی مخالفانه در جامعه را سد نمود. وی کشور مصر را تا آنجا وابسته به آمریکا ساخت که در جهان امروز، در ریف دریافت کننده عمده کمکهای مالی ایالات متحده پس از اسرائیل شناخته شد. و یا بعبارة دیگر، رژیم حسنی مبارک به حیت متحد قابل اعتماد آمریکا و اسرائیل در خاور میانه عرض اندام نمود.

عمده ترین اعتراض مردمی در برابر مبارک، یکی اعمال خود کامة گی و اختناق و سرکوب در جامعه، و دیگری، سوء استفاده عظیم مالی به پیمانۀ ملیارد ها دالر از مدرک کمکهای سالیانۀ آمریکا میباشد.

حال، باید پرسید که علی رغم وجه تشابه میان دو کشور افغانستان و مصر و با وجود آنکه در هر خطه‌یی از کره‌ی خاکی ما، بازخواست و تطبیق عدالت، نیاز مبرم بشر است، چه دلیل دارد که در آنجا، رهبران سیاسی به خاطر ارتکاب جرم و جنایت و سوء استفاده از قدرت و مقام، به پای میز محاکمه و احتساب کشانده میشوند، ولی در افغانستان هنوز حتا یک رهبر از رهبران دولتی، جهادی و تنظیمی محاکمه و مجازات نشده است؟ در حالیکه هرگاه مبارک با رهبران سه دهه‌ی اخیر افغانستان مقایسه گردد، ثابت خواهد شد که او هیچگاه دست به قتل عام مردم مصر نزده، به هیچ صورت به ویرانی کشورش اقدام بعمل نیاورده، هرگز بیماری قوم پرستی و افتراق ملی و زبانی را گسترش نداده، فرمان موشک پرانی بالای شهر و شهروندان صادر نکرده، هزاران شهروند مصر را بی خانه و بی وطن نساخته و هیچگاه متهم به جاسوسی به نفع ممالک همسایه اش نبوده است. مگر با آنهم دیده میشود که مقامات نظامی با رعایت خواست مردم مصر، او را حتا در حال بیماری و بستری بودن، از بیمارستان به محاکمه حاضر میسازند و هیچ اعتراضی از سوی منابع داخلی و خارجی در برابر محاکمه اش صورت نمیگیرد. اینکه مبارک، در برابر اتهامات وارده برخوردش، چه استدلال خواهد داشت و محاکمه علیه او چه فیصله یا فیصله‌هایی را صادر خواهد کرد، به آن کاری نداریم. زیرا، حتا اگر تدویر چنین محاکمه‌یی، حتا رنگ و بوی نمایش سیاسی را هم داشته باشد، باز هم ملت مصر از این اقدام بی سابقه، این اعتماد به نفس را بدست خواهند آورد که هیچ جنایتکاری نخواهد توانست مانند افغانستان، از پنجه‌ی قانون فرار نماید.

فراموش نکنیم که حسنی مبارک تا همین چند ماه قبل، مورد توجه و حمایت ابرقدرت امریکا و ژاندارم منطقه (اسرائیل) بود و بدون شک، برای آنها مصدر کار و خدمت زیادی شده بود، ولی امروز، حتا همان حامیان دیروزی اش نیز به محاکمه او موافق هستند. پس، چرا چرخ روزگار همیشه در افغانستان معکوس می چرخد؟ چرا در این سر زمین بلا دیده و خون گرفته که دران هزار ها هزار قتل و جنایت آشکار علیه بشریت صورت گرفته، نه از بازخواست و محاکمه و تطبیق عدالت خبری است و نه کسی تا امروز به فریادها و اعتراضها و درخواستهای برحق ملت محکوم و مظلوم افغانستان گوش فرا داده است. آیا قدرتمندان دولتی درکشور و توانمندان خارجی که سرنوشت ملی ما را در کف گرفته اند، اندکترین توجهی به حقوق پامال شده انسان، به سرنوشت خونین دهها هزار زندانی، به شهدای شهر کابل، به حال زار یتیمان و بیوه زنان باقیمانده از درون جنگ و جنایت سی ساله و بالاخره به مرگ قانون و عدالت مورد نیاز عامه مبذول خواهند کرد؟ این یک بام و دو هوا تا چه زمانی استمرار خواهد داشت؟ این چه تبعیض و تفاوت آشکار است که میان جامعه مصر و افغانستان، یوگوسلاویا و افغانستان، بولیوی و افغانستان و... قایل شده اند؟ در یکجا بخاطر قتل یک یا چند تن، یخن رییس جمهور و همکاران امنیتی و نظامی اش را می گیرند، آنها را

دستگیر میکنند و به محاکمه ملت در داخل کشور و یا به محاکمه بین المللی در "هاک" میسپارند، ولی در افغانستان در مانده و جنگزده، کلیه مجرمان ، جنایتکاران ، ناقضان حقوق بشر ، قاچاقبران و قاتلان شناخته شده را هنوز هم به کرسی های بلند می نشانند، ملیونها دالر و دینار را به کیسه های آنان می ریزانند، از آنها نظر خواهی می کنند و به " تحلیل " های شان گوش میدهند و در پناه " فیصله " من درآوردی

و سازشکارانه " خانه ملت " (!) برخوردار شان می سازند.

آیا آن موقع فرا خواهد رسید که ملت و مملکت افغانستان نیز ، در پرتو قانون و عدالت زمینی و آسمانی، مجموع قاتلان و خاک فروشان و جنایتکاران را در عقب میز احتساب و میله های محاکمه و زندان ببینند؟ آیا در این خطه باستانی ، بالاخره حق به حقدار خواهد رسید؟ (پایان)